

متن پرسش

سلام استاد عزیز: ان شاءالله که صحیح و سلامت باشید. استاد چرا ما آدم ها ظلم پذیر نیستیم یا بهتر بگم رنج پذیر نیستیم! البته (ما) نه بهتره بگم (بسیاری از ما) اکثر جوونای امروز تحت تاثیر شکست های عاطفی که میخورن دست به کارهای عجیب و غریب و سخت و تلخ میزنن و اونایی که جون سالم به در میبرن ماه ها و سال ها تحت تاثیر اون اتفاق رنج میکشن حالا اینا از مسائل عاطفی، بسط بدیم به مسائل گوناگون باز همینه! یعنی از یه اتفاق کوچک، یه ظلم کوچک یا بزرگ یه بی توجهی یه توهین شنیدن یا هرچیزی اونقدر رنج می کشیم، اونقد خود خوری می کنم اونقدر اون اتفاق توی دلمون و ذهنمون مرور میشه که نگو. من بارها کتاب «فرزندم این چنین باید بود» را خوندم و هربار با خوندنش آروم می شدم چون می گفتم دنیا همینه دیگه ولی الان نمیتونم هضم کنم که آدمای دنیا هم همینن و موضوعات کوچک اذیتم میکنن و موضوعاتی ماها و سال هاست دارن مغزم رو میخورن چون آدمایی اذیتم کردن و برام قالب درک نیست و نتونستم باهاش کنار بیام متاسفانه در حالیکه علمم و اطلاعاتم میدونه که چه خبره ولی قلبم نمیتونه فرمان بپذیره و فراموش کنه ببخش استاد عزیز که یکم خودمونی صحبت کردم. خیلی ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! به گفته جناب مولوی: «گر به هر زخمی تو پر کینه شوی / پس کجا بی صیقل آینه شوی». سختی هایی که در مسیر زندگی سراغ انسان می آید برای صیقل دادن روح و روان اوست و هنر ما آن است که متوجه شویم امتحانهای الهی ما را ساخته و پرداخته می کند و فرمود: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» یعنی در دل سختی هایی که در مسیر حق و حقیقت پیش می آید نهایت ارزشمندی وجود دارد مگر سختی هایی که به جهت گناهان و هوس ها پیش می آید که باید با توبه، آثار منفی آن را از میان برداشت. موفق باشید.